

## **Social tolerance and its various dimensions**

Mohammad Ali Talebi <sup>1</sup>

Mahdi Shoja<sup>2</sup>

### **Abstract**

Coexistence is an issue that has existed throughout history and people have always tried to find ways and means to live peacefully with each other. In past societies, the diversity of cultures, languages, ethnicities and other elements of social life was less, and tolerance of each other's differences and opinions was not considered an important issue; but with the increasing growth and expansion of communication in all fields, on the one hand, cultural, ethnic, linguistic and religious diversity has increased, and on the other hand, the amount of interactions and encounters between people has doubled. Tolerating the beliefs, customs and cultures of other groups will therefore be very important. The current research has been conducted with a descriptive and analytical approach using a documentary-library method and the results show that political, social and moral-behavioural tolerance have the most importance in society. The relationship between religiosity and social tolerance was also examined.

**Keywords: tolerance, social tolerance, dimensions of tolerance, religiosity, society**

---

<sup>1</sup> Assistant Professor of Sociology, Payam Noor University, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Master of Sociology, Payam Noor, Tehran, Iran.

**M.shoja88@gmail.com**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 2, No 4, Summer 2020

سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۹

ppt 80-103

صفحات ۱۰۳-۸۰

## مدارای اجتماعی و ابعاد گوناگون آن

محمدعلی طالبی<sup>۱</sup>

مهدی شجاع<sup>۲</sup>

### چکیده

همزیستی موضوعی است که همیشه و در طول تاریخ وجود داشته و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که راه‌ها و شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر بیابند. در جوامع گذشته، تنوع فرهنگ‌ها، زبان، اقوام و همچنین دیگر عناصر زندگی اجتماعی کم‌تر بود و تحمل تفاوت‌ها و عقاید یکدیگر مسئله مهمی به حساب نمی‌آمد؛ اما با رشد و گسترش فزاینده ارتباطات در همه زمینه‌ها، از سویی تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و اعتقادی بیشتر شده و از سوی دیگر، میزان تعاملات و برخورد افراد دوچندان شده است. بنابراین، تحمل عقاید و آداب و فرهنگ‌های دیگر گروه‌ها اهمیت فراوانی خواهد یافت. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی و تحلیلی با روش اسنادی - کتابخانه‌ای صورت گرفته است و نتایج نشان می‌دهد که مدارای سیاسی، اجتماعی و اخلاقی - رفتاری بیش‌ترین میزان اهمیت را در جامعه دارا هستند. وجود ارتباط بین دین‌داری با مدارای اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی: مدارا، مدارای اجتماعی، ابعاد مدارا، دین‌داری، جامعه**

---

<sup>۱</sup> استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران، ایران

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد جامعه‌شناسی پیام نور تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

مسئله همزیستی در تاریخ بشر، هیچ‌گاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده است. با گسترش ارتباطات محلی، ملی و بین‌المللی امکان تعامل وسیع و مداوم مردمان و ملت‌های گوناگون با هویت‌های دینی، ملی و قومی مختلف فراهم شده است. وجود برخی اختلافات عقیدتی و یا منافع متضاد از جمله چالش فراروی دولت‌ها و ملت‌ها است که به نظر می‌رسد تلاش برای مفاهمه و گفتگوی بین ملت‌ها را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد. بعلاوه با گسترش مفاهیمی چون حقوق بشر، برابری جنسیتی، نژادی، دینی، قومی و ... زمینه‌هایی برای ایجاد روحیه تعامل و رفتار توأم با مدارا گسترش یافته است.

تساهل به معنای سهل گرفتن، آسان گرفتن بر یکدیگر و به نرمی با یکدیگر رفتار کردن، رواداری و احترام به دیگران است. در این میان اندیشمندان در مورد بحث مدارا نظریات مختلفی را بیان داشته‌اند که به چگونگی تأمین و تضمین همزیستی افراد با یکدیگر منجر شود. باید گفت امروزه مدارا به‌عنوان فضیلتی اجتماعی و قاعده‌ای سیاسی شناخته می‌شود که امکان همزیستی صلح‌آمیز افراد و گروه‌های مختلف را فراهم می‌کند. این مسئله به‌ویژه در جوامع نامتجانسی که از اقوام، مذاهب و گروه‌های متنوع تشکیل شده‌اند بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه ثبات، امنیت، رشد و شکوفایی این جوامع را می‌تواند رقم بزند.

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی و تحلیلی با روش اسنادی - کتابخانه‌ای گردآوری شده است سؤال اصلی این است که مدارای اجتماعی و ابعاد آنچه مفهومی دارد؟ از همین رو ابتدا بعد از پرداختن به تعریف مدارا، ابعاد و عوامل مؤثر بر آن را مدنظر قرار خواهیم داد. هدف و ضرورت از طرح موضوع مدارا، با استفاده از نظریات اندیشمندان صاحب‌نظر، تئوریزه کردن مفهوم و همچنین مباحث تئوریکی آن است.

## بیان مسئله

در سراسر تاریخ شاهد نبردهای خونین میان کسانی هستیم که به دنبال به کرسی نشاندن حرف خود و استقرار حقیقت موردنظر خویشان هستند. این قاعده ناشی از نوعی ترس از دیگری است؛ بدین معنی که افراد به دلیل عدم مشارکت در فعالیت‌ها، اعم از سیاسی،

اجتماعی، اقتصادی و غیره، حضور دیگری متفاوت را به عنوان منشأ تهدید تصور می‌کنند و در راستای رفع این تهدید واکنش نشان می‌دهند. وجود چنین فضایی سبب هدر رفتن بخش عمده‌ای از انرژی و توان شهروندان می‌شود و به جای اینکه توان افراد برای حل مسائل و پیشرفت جامعه ساماندهی شود در راستای مقابله با یکدیگر قرار می‌گیرند. وجود این وضعیت در شرایط کنونی برخی از جوامع کاملاً ملموس است؛ مقدار زیادی از انرژی شهروندان صرف درگیری‌های مذهبی، حزبی، قومی، منطقه‌ای و غیره می‌شود که شکل یک معادله‌ای (معادله صفر و یک) که موفقیت یک‌طرفه لزوماً شکست طرف مقابل را در پی خواهد داشت، را به خود گرفته است.

یکی از دلایل این شیوه برخورد با افکار و رفتار این است که به دلیل محدود بودن تعامل بین گروهی، در جامعه سنتی تنها یک منبع برای کسب دانش و آگاهی وجود داشته است. با توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیک موجود، هم کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای در حال توسعه، در تلاش‌هایشان برای فهم و تجربه مدارا دچار چالش‌هایی هستند. به نظر می‌رسد در مورد مدارای اجتماعی، با تفاوتی اساسی در میزان و شدت آن در کنش‌های روزمره افراد روبرو هستیم. این امر بیش از هر چیز نقش عوامل روان‌شناختی و خصوصاً مفهوم سبک‌های هویت را برجسته می‌سازد. در دهه‌های اخیر در راستای مباحث جدی در مورد هویت، برزونسکی (۱۹۹۰) بر نقش تفاوت‌های فردی در شکل دادن به هویت تأکید کرد. تا دهه‌های گذشته نوع نگاه به مسئله هویت بیشتر مبتنی بر نگاه اریکسون (۱۹۵۰) به نقل از برزونسکی (۲۰۰۳) که پارادایم وضعیت‌های هویت مارسیا (۱۹۹۶) به نقل از برزونسکی، (۲۰۰۳) بود. اما برزونسکی در عین حال که همانند گذشتگان به ساختار هویت عنایت داشت بر فرآیند شکل‌گیری آن نیز تأکید کرد و بر همین اساس وی نظریه پردازش شناختی-اجتماعی هویت را ارائه کرد. به عبارت ای گرم (برزونسکی ۱۹۹۰)

### پیشینه تحقیق

۱- جهانگیر جهانگیری و حسین افراسیابی (۱۳۹۰) با عنوان، مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا، مدارا را به معنای به رسمیت شناختن دیگری دانسته و عوامل

مؤثر و پیامدهای مدارا را در خانواده‌های شهر شیراز سنجیده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد متغیرهای تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌ها، امکانات زندگی، درآمد خانواده، روابط اجتماعی و فعالیت‌های مدنی اعضای خانواده، دارای رابطه معنی‌داری با میزان حاکمیت مدارا در فضای خانواده‌هاست.

۲- ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان مدارای اجتماعی و ابعاد آن به ارائه تحلیلی بر وضعیت مدارا در جامعه مطالعه شده و شناسایی ابعاد و میزان آن بین ساکنان اصفهان پرداختند. یافته‌ها حاکی از رابطه معنی‌دار بین متغیرهای مستقلی همچون سن، وضعیت تأهل، درآمد، جامعه‌پذیری قومی، قوم‌مداری و سرمایه فرهنگی با متغیر وابسته مدارای اجتماعی است. ارتباط معنی‌دار و منفی بین دو متغیر قوم‌مداری یا جامعه‌پذیری قومی با مدارای اجتماعی نشان می‌دهد که هر چه فرد تعلق بیشتری به ابعاد قومیتی خود داشته باشد یا جامعه‌پذیری شدیدتری را تجربه کرده باشد، مدارای اجتماعی او در زمینه‌های مختلف کمتر است.

۳- پایان‌نامه‌ای با عنوان سنجش مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ساکن تهران نوشته سمیرا شریفی (۱۳۹۲) باهدف بررسی سنجش میزان مدارای اجتماعی در بین شهروندان ۱۸ تا ۷۰ سال ساکن شهر تهران و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن انجام گرفته است. برای سنجش متغیر وابسته، مدارای اجتماعی به‌طور تلفیقی از نظریات پیتر کینگ و وگت استفاده و ابعاد مدارای هویتی، مدارای اجتماعی... مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- فاطمه گلایی، اکرم رضایی (۱۳۹۲) تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان را بررسی کردند. برای بررسی مدارای اجتماعی از تقسیم‌بندی وگت، و برای سنجش مشارکت اجتماعی از نظریه‌های حوزه مشارکت استفاده شده است. نتایج یافته‌ها نشان داد که میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن دارای همبستگی مستقیم معنی‌دار است، ولی مشارکت و مدارای اجتماعی بر اساس وضعیت تأهل دانشجویان معنی‌دار نبود. در متغیرهای زمینه‌ای، مقطع تحصیلی تأثیر معنا‌داری بر روی مدارای اجتماعی

داشته است. در نهایت، تحلیل رگرسیون نشان داد که ۱۲/۸ درصد از تغییرات متغیر مدارای اجتماعی توسط ابعاد سه گانه مشارکت قابل تبیین است. اما، بین ابعاد مشارکت اجتماعی، بعد نگرش مشارکتی تأثیر بیشتری نسبت به دو بعد دیگر بر مدارای اجتماعی دارد.

۵- سید صمد بهشتی و یاسر رستگار (۱۳۹۲) مقاله جامعه‌شناختی، مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی، را تبیین کردند. هدف اساسی پژوهش مطالعه مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام گوناگون شهر اصفهان بوده است. بدین منظور، با انجام پیمایشی در این زمینه و مصاحبه با ۳۹۸ نفر از شهروندان اصفهانی بالای ۱۸ سال مشخص شد متغیر قومیت، جامعه‌پذیری قومی، قوم‌مداری و سرمایه فرهنگی مدارای اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قوم‌مداری و نیز جامعه‌پذیری قومی ارتباطی معنادار و منفی با مدارای اجتماعی دارند. میزان مدارای اجتماعی در بین اقوام ایرانی، به مقدار ۲،۷۶، کمی بالاتر از سطح میانگین (در دامنه ۱ تا ۵) است. میزان قوم‌مداری در بین اقوام تحت مطالعه بالاتر از سطح میانگین است و اقوام در مدارا و پذیرش یکدیگر تفاوت معناداری ندارند.

### تعاریف نظری، عملیاتی و شاخص‌سازی

واژه‌های تساهل، تحمل، تسامح، رواداری و مدارا که در ادبیات امروز، برابر نهاد واژه<sup>۱</sup> تولرانس<sup>۱</sup> به کار می‌رود، دارای تفاوت‌های معنایی است؛ اما اشتراک معنایی این واژگان در این کاربرد خاص سبب شده است تا چندان به این تفاوت‌ها توجه نشود. واژه<sup>۲</sup> تولرانس از ریشه لاتین تولرو<sup>۲</sup> به معنای تحمل کردن و اجازه دادن و ابقا کردن است. این واژه با مصدر تولو<sup>۳</sup> به معنای حمل کردن و اجازه دادن هم‌خانواده است؛ گویی کسی که تساهل می‌ورزد باری را تحمل یا حمل می‌کند (اکبر نیا، ۱۳۹۴: ۱۷). در فرهنگ هریتیج آمریکا، مدارا به معنای احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن

1 Toleration

2 Tolero

3 Tollo

عقاید مخالف تعریف شده است؛ همچنین در «بیانیه اصول مدارا» که در طی نشست ۲۸ کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵ مورد تصویب دولت‌ها قرار گرفت، مدارا چنین تعریف شده است: احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامونمان، اشکال مختلف آزادی بیان و شیوه‌های متنوع انسان بودن (آگیوس و آمبروسویکز، ۲۰۰۳: ۱۲).

البته مفهوم مدارا به شکل امروزی از قرن پانزدهم میلادی مطرح شد. قلمرو این مفهوم در قرن پانزدهم بیشتر مربوط به حق انتخاب مذهب بود. اما به تدریج این قلمرو گسترش یافت و تحمل هر نوع عقیده اخلاقی، سیاسی و مذهبی را در بر گرفت (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

درواقع، با مراجعه به متون و اسناد تاریخی می‌توان دریافت که واژه مدارا در عرف رایج، دستکم تا اواخر قرن هفدهم، معنایی موهن داشته است. بار ارزشی این مفهوم در طی دو قرن رفته‌رفته دگرگون شد. این تغییر ارزشی مفهوم مدارا در پی وقوع جنگ‌های مذهبی اروپا، که از قرن شانزدهم آغاز شدند، به جریان افتاد و عوامل مختلفی را می‌توان در آن مؤثر دانست. بدون شک عرف اخلاقی، استدلال‌ها و تقریرات حامیان مدارا و آزادی در این سال‌ها از علل مؤثر بر این تغییر است. حال اگر بخواهیم این تقریرات را درست تفسیر کنیم، لازم است نظریه‌های رقیب و زمینه ظهور آن‌ها را بفهمیم (پرده چی، ۱۳۹۶: ۶۳). لاک که از بانفوذترین فیلسوفان جدید است و آرای او بر اندیشمندان بسیاری در سراسر قرن هجدهم مؤثر بوده، در باب مدارا بسیار فراگیرتر از اندیشمندان پیشین تأثیر داشته است. گرت تامسون، در کتاب خود به نام جان لاک سه استدلال کلی در دفاع از مدارا از او تقریر می‌کند: ۱. تفکیک وظایف کلیسا و حکومت با توسل به قرارداد اجتماعی؛ و به این ترتیب بیرون آوردن حق دخالت از دست دولت با تکیه بر این مضمون که روح و روان آدمی بخشی از قرارداد اجتماعی نیست که حکومت بخواهد از آن صیانت کند. در نتیجه، کلیسا نمی‌تواند با تمسک به مراجع مدنی، اقدام به اذیت و آزار مردم کند. ۲. عدم تأثیر اعمال زور بر تغییر عقیده باطنی که با تکیه بر آن، هر اعمال زوری که به بهانه رستگاری دیگری جهت تغییر عقیده او روا داشته شود، از مشروعیت تهی می‌شود. ۳. بی‌یقینی در باب موضوعات دینی که منجر می‌شود هیچ‌کس حق دخالت در باورهای دینی دیگری را نداشته باشد (همان: ۷۷-۷۶).

### شاخص‌های مدارا

باید توجه داشت که بی‌تفاوتی و مدارا متمایز هستند. لازمه مدارا در وهله اول، نامطلوب دانستن یا منفور شمردن چیزی و سپس تحمل آن است، حال آنکه در بی‌تفاوتی، منفور بودن امر موردنظر اساساً منفی است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۶۶). مدارا با آزادی نیز متفاوت است. آزادی معنایی مثبت دارد، زیرا در اندیشه آزادی آنچه آزاد گذاشته می‌شود، لزوماً نامطلوب نیست. ولی مدارا معنایی منفی دارد و به معنی پذیرفتن امری است که مطلوب یا پذیرفتنی نیست (همان، ۶۵). در مجموع می‌توان مدارا را با مؤلفه‌هایی چون وجود تنوع و اختلاف، ناخشنودی و نارضایتی، وجود آگاهی و قصد، احترام، توافق، وجود قدرت و توانایی و کنترل خویشتن در مداخله همراه دانست (ادیبی سده و همکاران؛ ۱۳۹۱: ۳۶۵).

### تقسیم‌بندی مدارا

در ادامه تقسیم‌بندی مدارا در یک جدول آمده است<sup>۱</sup>:

توضیحات	مؤلفه‌ها	تقسیم
مدارا از سر مردم‌داری که عمق و شدت کمی دارد	مصلحت بیرونی	لحاظ شدت
دیگران حق دگراندیشی دارند	حق دگراندیشی	
طرف مدارا شونده نه تنها حق دگراندیشی دارد بلکه می‌تواند دگراندیشی او پس از بررسی گونه‌ای برتر نیز شناخته شود	هم‌ارزی ابتدابه‌ساکن	
تساهل نسبت به وجود بیان و یا تبلیغ عقاید مخالف عامل تساهل	عقیدتی	لحاظ

<sup>۱</sup> این جدول از پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی منتشر شده توسط شورای عالی انقلاب استخراج شده است و قابل دسترس در:



موضوع	سازمانی	این مدارا یک مرتبه پیشرفته تر از تساهل عقیدتی است و به معنی شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مخالف عقاید عامل تساهل است
	هویتی	اعمال تساهل نسبت به ویژگی‌هایی که اختیاری نیست مانند ملیت، جنس، نژاد، طبقه، فرهنگ
	رفتاری	مثل مدارا نسبت به شیوه لباس پوشیدن یا روابط اجتماعی
عامل مدارا	فرد	عامل یک فرد است
	گروه اجتماعی	عامل یک گروه اجتماعی است
	دولت	عامل دولت است

### نظریات پیرامون موضوع مدارا

می‌توان مفهوم «مدارا» را تحت عنوان اصلی «گونه شناسی مدارا» مورد بررسی و تقسیم‌بندی قرار داد که در ادامه مقاله به مهم‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها اشاره می‌شود:

۱- **تقسیم‌بندی وگت:** پل وگت (۱۹۹۷) مدارا را یک «گرایش رفتاری» در نظر گرفته و نگرش را از خلال رفتار درمی‌یابد. وگت مدارا را یک گرایش رفتاری تعریف می‌کند؛ یعنی نگرش را از خلال رفتار فهم می‌کند و مدارا در این معنا در مقابل نگرش قرار می‌گیرد. سازه مدارا برای وگت از سنت علوم سیاسی می‌آید و او مدارا را پیش‌نیازی برای جامعه مدنی برمی‌شمارد. وگت با مروری بر کارهای کریک، کینگ و کربت و ادغام آن‌ها تعریف جدیدی را از مدارا ارائه می‌دهد. از دید وی مدارا به سه دسته تقسیم می‌شود که با یکدیگر همپوشانی دارند. مدارای سیاسی را مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی با احترام به آزادی‌های مدنی دیگران می‌داند. مدارای اخلاقی را نیز مدارا نسبت به اعمال دیگران در

<sup>1</sup> Paul vogt

فضای خصوصی می‌داند. همچنین مدارای اجتماعی را مدارا نسبت به ویژگی‌های مختلف انسانی که از تولد همراه او هستند، تعریف می‌کند (بیاتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱).

او مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند: مدارای سیاسی، که مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی یا احترام به آزادی‌های مدنی (شهروندی) است. مدارای اخلاقی، که حاکی از مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی است؛ مثلاً آیا رفتارهای جنسی افراد در حریم شخصی و زندگی پنهانی‌شان باید توسط قانون نظارت و محدود شود؟ و مدارای اجتماعی که منظور از آن مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن است، چه ویژگی‌هایی که از هنگام تولد همراه انسان است، مثل: رنگ پوست و جنسیت (زن و مرد بودن)؛ و چه آن‌هایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند، مثل: زبان و گویش (لهجه). به عقیده و گت، این ویژگی‌ها موضوع مدارا یا عدم مدارا نیستند، بلکه اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از افراد در ارتباط هستند، ممکن است با تصورات قالبی مناسب یا نامناسب متصور شوند و در نتیجه مورد مدارا واقع شوند یا نشوند (رک. عسگری و شارع پور، ۱۳۸۸: ۷).

۲- **تقسیم‌بندی پرستون کینگ<sup>۱</sup> (۱۹۷۶):** او در اثر مشهور خود به نام «مدارا» مدارا را برحسب «موضوع» به سه دسته تقسیم کرده:

**الف) مدارای هویتی:** یعنی مدارا ورزیدن در برخورد با ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند که شامل مدارا نسبت به هویت‌های مختلف مثل ادیان، ملیت‌ها و قومیت‌های متفاوت می‌شود.

**ب) مدارای سیاسی:** که ناظر به قبول حق برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند.

**ج) مدارای رفتاری:** به معنای عدم سختگیری نسبت به برخی از الگوهای رفتاری است که از نظر فرد نادرست هستند و شامل سه نوع است: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به پوشش و مدارا نسبت به مجرمان (فیروزجائیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹-۳۸).

---

<sup>1</sup> Preston King

**۳- تقسیم‌بندی لرد اسکارمن<sup>۱</sup>:** لرد اسکارمن نیز به‌نوبه خود بردباری را به دو گروه بردباری مثبت و بردباری منفی تقسیم می‌کند. بردباری منفی به معنای عدم‌مداخله در امور مردم و رها کردن آن‌ها به حال خودشان است. بردباری مثبت نیز به معنای پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی و برخورداری آن‌ها از فرصت‌های برابر در جامعه است. چیکرینگ و ریسر نیز از دو نوع بردباری بین فرهنگی و بین فردی نام می‌برند. طبق نظر آن‌ها، افراد بردبار کسانی هستند که دارای نوعی توانایی هستند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا علاوه بر پذیرش و احترام نسبت به تفاوت‌ها، به تحقیق بیشتر درباره آن‌ها علاقه نشان دهند و نیز بپذیرند که این تفاوت‌ها وجود دارند (زمانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۰۳).

**۴- تقسیم‌بندی ورنر گلد اشمیت<sup>۲</sup>:** گلد اشمیت مدارای اجتماعی را از لحاظ تحلیلی به دودسته «فعال و منفعل» تقسیم کرده است و مدارای فعال خود به دودسته «انتزاعی و عینی» تقسیم می‌شود (پیشین). هرگاه فرد به لحاظ شفاهی معتقد به مدارا نسبت به دیگران باشد، مدارای انتزاعی (ذهنی) و هرگاه فرد عملاً نیز مدارای خود را نشان دهد، تبدیل به مدارای فعال عینی (عملی) می‌شود. مدارای منفعل نیز حکایت از نوعی بی‌تفاوتی افراد نسبت به هم دارد؛ مثل افرادی که در خیابان بدون توجه به یکدیگر از کنار هم عبور می‌کنند. به اعتقاد وی، اگر توسعه اجتماعی و... با موفقیت صورت گرفته باشد، مدارای منفعل باید به مدارای فعال تبدیل شود. همچنین وی معتقد است مدارای منفعل، ناکامی و بی‌علاقگی، همگی حاکی از این است که واکنش‌های خشونت‌آمیز، دوباره گسترش خواهد یافت (رک. عسگری و شارع پور، ۱۳۸۸: ۱۰).

مدارا برای گروه‌های دیگر، عنصری ضروری برای فرهنگ دموکراتیک و شهروندی. گیسون مدارا را در این جمله ساده به کار می‌برد: اگر مدارای سیاسی افزایش یابد، احتمال

<sup>1</sup> Scarman

<sup>2</sup> Goldschmidt

موفقیت دموکراسی افزایش می‌یابد و برخی نیز چون مدارای اجتماعی را عنصری اساسی در شکل‌گیری دموکراسی دانسته، به‌عنوان مفهومی کلیدی در توسعه سیاست‌های اجتماعی به کار می‌برند. مدارای سیاسی یا تمایل به واگذاری حقوق سیاسی به گروه‌های منفور، از ارزش‌های اساسی دموکراتیک است که به دموکراسی‌های موفق و سالم نسبت داده می‌شود. مدارای سیاسی متضمن به‌کارگیری اصول دموکراسی، یعنی حمایت از حقوق مدنی، حقوق اقلیت و ... و به‌کارگیری آن‌ها در عمل است. دموکراسی‌های سالم نیازمند شهروندانی هستند که در برابر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی دیگران مدارا داشته باشند، حتی اگر نظرهایشان مخالف با آن‌ها باشد یا احساس کنند که با مشارکت آن‌ها تهدید می‌شوند. مدارا به‌ویژه برای دموکراسی‌های غیر یکپارچه حائز اهمیت است. این اهمیت درجایی بیش‌تر است که مدارا نکردن ممکن است باعث ایجاد بی‌ثباتی شود، به دلیل این‌که برخی از گروه‌ها در برابر واگذاری قدرت به رقیبان مقاومت کرده و سعی می‌کنند محدودیت‌هایی برای آزادی‌های مدنی ایجاد کنند (ر.ک ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۱:۳۵۹).

**۵- نظریه ویلارد آلپورت<sup>۱</sup>:** فرضیه آلپورت بیان می‌کند در وضعیتی خاص، برخورد با اشخاص برون‌گروه، مدارا را در برابر افراد این گروه‌ها افزایش می‌دهد. آلپورت برای اولین بار نظریه برخورد را مطرح و به شرایط موردنیاز برای توسعه روابط بین گروهی مثبت اشاره کرد. شرایطی که آلپورت مطرح می‌کند، شامل این گزینه‌ها است:

۱- وابستگی متقابل همراه با همکاری و مشارکت در کل گروه‌ها ۲- جایگاه برابر بین اعضای گروه اقلیت و گروه اکثریت در تعقیب اهداف مشترکشان ۳- حمایت نهادها و مسئولان از روابط بین گروهی ۴- ایجاد فرصت برای اعضای همه گروه‌ها تا به‌عنوان افراد، با یکدیگر کنش متقابل داشته باشند (تیموری و همکاران، ۱۳۹۵:۲۴).

---

<sup>1</sup> Gordon Willard Allport

۶- **نظریه آندرو فایلا:** آندرو فایلا مدارا را نیازمند فهم پیچیده‌ای از خود و تعهدات اخلاقی می‌داند. این واژه انگلیسی، به تعبیر او از واژه لاتینی تولرانس<sup>۲</sup> مشتق شده است که به معنای عمومی تحمل کردن و رنج بردن و بردباری است. چراکه مدارا به‌مثابه آرمانی اخلاقی، مستقیم به چیزهای منفی مربوط می‌شود. با این ریشه‌شناسی می‌توان به تعریفی کلی از مدارا دست‌یافت که دربردارنده سه شرط به هم مرتبط است. بنابراین، وقتی فرد با چیزی مدارا می‌کند: ۱- قضاوت و برداشتی منفی درباره آن دارد ۲- می‌تواند آن را خنثی و بی‌اثر کند ۳- می‌تواند از روی عمد از خنثی‌سازی آن خودداری کند (پیشین).

## ۷- **از نظر والزر**

والزر مدارا را همزیستی گروه‌های مختلف مردم با تاریخ و فرهنگ و هویت‌های گوناگون تعریف می‌کند و در کتاب خود، در باب مدارا، ذکر می‌کند که در گفتارهای عادی، اغلب مدارا را متضمن نابرابری می‌دانند که در آن گروه‌ها و افراد در موقعیت پست‌تر محل مدارا قرار می‌گیرند. وی در بحث از مقولات عملی مدارا، این مفهوم را با چندین مقوله اصلی و عملی ارتباط می‌دهد که عبارت‌اند از: قدرت، طبقه، جنسیت، دین و آموزش. والزر بیان می‌کند اگر مدارا به‌منزله یک نگرش یا حالت روحی دریافت شود توصیف‌گر شماری امکانات بالقوه خواهد بود. یکی از معانی ممکن، اول: پذیرش حاکی از تسلیم و رضای تفاوت است، آدمیان به‌منظور حفظ آرامش و صلح سالیان سال به جان هم می‌افتند و می‌جنگند تا سرانجام بر اثر خستگی از پا درمی‌آیند. که والزر این نوع رفتار را رواداری می‌نامد. دومین نگرش، بی‌اعتنایی، بی‌اختیار و بی‌دردسر نسبت به تفاوت است. سومین نگرش: نوعی خویش‌داری اخلاقی است که حقوق دیگران را در آزادی عمل به رسمیت می‌شناسد. چهارمین نگرش: بیانگر گشودگی در برابر دیگران و کنجکاوی و شاید اشتیاق به شنیدن و آموختن از دیگران است. پنجمین نگرش: صحنه‌گذاری پرشور و شوق بر تفاوت

<sup>1</sup> Andrew File

<sup>2</sup> tolerantian

است که تصدیقی زیباشناختی خواهد بود. به عبارتی دیگر، والزر با ترسیم یک طیف از رفتار و گرایش مدارا گرایانه، باور دارد که فرد در هر جایی از همین طیف قرار گیرد، واجد فضیلت مدارا خواهد بود (والزر، ۱۳۸۳: ۱۶).

### موانع مدارا کردن

دش و گیسون مدارا نکردن را به تمایل برای محدود کردن حقوق دموکراتیک یک گروه منفور که مبتنی بر محتوای نظر شخصی باشد، تعریف کرد. بیشتر پژوهش‌ها در باب مدارا نکردن بر سه عامل تأکید دارند: عقاید قلبی و تعصب و نژادگرایی. پژوهش‌های انجام شده درباره عدم مدارا به عواملی چون عقاید قلبی، تعصب، نژادگرایی، دگماتیسم، ناامنی و هواداری سنت اشاره دارند. لازم به ذکر است که عقاید قلبی، شکلی از مقوله‌بندی اجتماعی است که پیچیدگی جهان اجتماعی را تقلیل و باعث سوگیری در انتخاب و تفسیر و نگهداری داده‌ها و ساده‌سازی اطلاعات اجتماعی می‌شود. همچنین در توضیح مقوله تعصب باید گفت تعصب نوعی نگرش است که به همراه ابعاد اعتقادی و رفتاری و عاطفی خاص آن فهمیده می‌شود. البته تمایزات میان تعصب و نژادپرستی کمی مبهم است؛ اما از تفاوت‌های مهم میان این دو مفهوم این است که نژادپرستی، علاوه بر نگرش متعصبانه، با نوعی قدرت تمایز بخش نیز همراه است. همچنین تفاوت دیگر میان این دو مفهوم این است که تعصب، فقط در تحلیل فردی کاربرد دارد؛ در حالی که نژادپرستی در زمینه‌های متعددی فردی، جمعی و نهادی به کار می‌رود (صمد بهشتی و رستگار، ۱۳۹۲: ۱۵-۱۴).

### مدارا و دین

از جنبه نظری، در نظریات برخی از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان می‌توان دلالت‌هایی مبنی بر چگونگی رابطه دین‌داری و مدارا پیدا کرد. سنخ‌شناسی آلپورت جنبه روان‌شناختی دارد که در آن بیشترین تأکید بر روی ویژگی‌های روانی افراد و انگیزه‌های آن‌ها برای کنش است. آلپورت در بحث خویش در زمینه ارتباط «دین و تعصب» کارکرد دین را تناقض‌آمیز می‌داند چرا که هم موجب تعصب است هم نافی آن. به نظر وی به‌رغم آنکه تعالیم ادیان بزرگ فراگیر

و جهان‌شمول‌اند و بر اخوت و برادری تأکید می‌کنند، اجرای این تعالیم همواره با تفرقه‌انگیزی و بی‌رحمی همراه بوده است. آلپورت معتقد است برای ارائه تحلیلی روشن می‌باید نقش کارکردی دین و نوع دین‌داری افراد و انگیزه‌های آن‌ها از توسل به دین را مشخص کرد. وی در این زمینه دو نوع دین‌داری را تشخیص می‌دهد: ۱- دین‌داری برون‌دینی (نهادی) ۲- دین‌داری درون‌دینی (شخصی). «در نوع اول شخص به خاطر امنیت، قدرت و برتری به عضویت کلیسا درمی‌آید و شخصیتی اقتدارگرا و متعصب دارد. در نوع دوم فرد تعالیم بنیادین کلیسا در مورد اخوت و برادری را منعکس‌کننده آرمان‌هایی می‌داند که صادقانه باورش‌ناپذیر است. و از این رو به عضویت کلیسا درآمده، و شخصیتی مداراجو دارد. بنابراین «نگرش دینی نهادی شده» و «نگرش دینی درونی شده» هر یک تأثیری متفاوت بر شخصیت افراد دارد (آلپورت، ۱۳۷۹: ۵۹). اریک فروم نیز با نگاه روان‌شناسانه به گونه‌شناسی و سبک‌شناسی دین‌داری می‌پردازد و دو نوع دین را تشخیص می‌دهد. ۱- دین خودخواهانه یا خودکامه ۲- دین نوع خواهانه.

جان هیک نگرش‌های مختلفی را که در روند تحول موضع‌گیری مسیحیت نسبت به تنوعات و تکثرات و یا به عبارتی تنوع ادیان شکل گرفت، به سه دسته تقسیم می‌کند: انحصارگرایی، شمول‌گرایی و کثرت‌گرایی (سراج زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۸). هابرماس در ادامه بحث از نظریه کنش ارتباطی درباره مدارای دینی می‌گوید: لازمه مدارای دینی آن است که مراجع حکومتی نیز به اندازه شهروندان خویش‌داری کنند، از شیوه‌های خشونت‌آمیز برای حفظ و گسترش نگرش دینی، هرچند هم که آن نگرش محترم و مقدس باشد، استفاده نکنند. تعالیم ادیان بزرگ جهانی در صورتی به حیات خود ادامه می‌دهند که همچنان از نیروی غیر خشن، قصص نافذ، انگاره‌های پر قدرت، تبیین‌های متقاعدکننده و براهین کلامی بهره‌جویند. اما این نیرو صرفاً از طریق ارتباط و مفاهیم‌ای سالم و خالی از قهر، گسترش می‌یابد. همچنین تعالیم قدسی می‌توانند به نسل‌های آینده تأثیری وجودی بگذارند. به شرط آنکه این تعالیم بتوانند اذهان انسان‌هایی را که هم حساس و هم آسیب‌پذیر هستند از درون شکل دهند، یعنی نه از طریق تلقین و تمکین، بلکه از طریق اقتناع عقلایی انسان‌هایی که در مناسبات آزاد خویش،

همان طوری که می‌توانند بگویند آری، مختارانه نه بگویند (بوستانی و کمال پولادی، ۱۳۹۵:۳۳).

نظریه پرداز	نوع دین‌داری	ویژگی	پیامد برای کنش دین‌داران
جان هیک	انحصارگرا	تنها دین خود را واجد حقیقت و نجات می‌داند	عدم مدارا
	کثرت‌گرا	برای ادیان مختلف بهره‌ای از حقیقت می‌شناسد و برای پیروان آن‌ها رستگاری قائل است	اهل مدارا
	شمول‌گرا	برای پیروان ادیان دیگر نیز جنبه‌ای از حقیقت قائل است، به شرط اینکه در سنت دینی خویش انسان‌های درستکاری باشند	مدارای مشروط
آپورت	درون‌گرا	فرد تعالیم بنیادی مذهب در مورد اخوت و برادری را منعکس‌کننده آرمان‌هایی می‌داند که صادقانه باورش‌شان دارد	شخصیت مدارا جو
	برون‌گرا	از مذهب به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد استفاده می‌کند	شخصیت اقتدارگرا و متعصب
اریک فروم	نوع خواه	بر محور انسان و توانایی او بنا شده که در آن انسان باید نیروی منطق خود را جهت شناسایی خویش، رابطه‌اش با هم‌نوعان و همچنین موقعیت خود در جهان، توسعه دهد	مدارا جو
	خودخواهانه	شناسایی یک قدرت برتر که بر سرنوشت انسان تسلط داشته و واجب اطاعت و لازم الاحترام است	نامتساهل

منبع: (سراج زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۹)

می‌توان گفت مدارا در نگاه اندیشمندان غربی، تحمل کردن را در خود دارد. در واقع مدارای غربی عبارت است از قبول و پذیرش آنچه اعتقاد نداریم و به آن معترضیم اما این اعتراض همواره مقرون به یک نوع خویش‌داری و صیانت از طرد و انهدام یک تفکر یا یک اندیشه است؛ اما از منظر اسلامی، مدارا به معنای تحمل عقاید رقیب در عین باورمندی و پابندی به



حقانیت اعتقادات خود است نه ترویج آنارشیسم ایدئولوژیک. تساهل اسلام به معنای سعه صدر و گشودن فضای تعامل و تعالی افکار و انظار است نه شک پراکنی و بی ثباتی فکری (افتخاری و موحدیا، ۱۳۹۶: ۴۱). مقوله مدارا یا «رفق» در متون دینی، مترادف با تساهل و تسامح است که در مقابل نظریه خشونت یا «حُرُق» قرار دارد. رویکرد مدارا محور ناظر به زندگی، امنیت، تأمین حقوق و آزادی انسان‌ها، توسعه، انسجام و همبستگی؛ و رویکرد خشونت محور ناظر به سختگیری، ناامنی، مرگ، عقب ماندگی، اختلاف، واگرایی و تضییع حقوق و آزادی‌های مردم است. از منظر مدارا، خداوند انسان را برای زندگی و آزادگی خلق کرده و حاکم بر سرنوشت خود قرار داده و سیطره دیگران را از وی برداشته است. مدارا با حکمت عملی ارتباط دارد، یعنی مدارا از یک‌جهت یک عنصر اخلاقی و از جهت دیگر یک عنصر حقوقی و سیاسی است، برای اینکه حکمت عملی سه حوزه اخلاق، تدبیر منزل و سیاست را شامل می‌شود (فتحی، ۱۳۹۶: ۸۲).

نمونه برجسته مدارا را می‌توان مدارای پیامبر اسلام با مخالفان بیان کرد. در یک تقسیم‌بندی مخالفان پیامبر اکرم (ص) را به سه دسته می‌توان تقسیم نمود:

- اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان)
- منافقان به‌ظاهر مسلمان که فتنه‌انگیزی علیه پیامبر انجام می‌دادند
- کسانی که منکر خداوند بودند؛ همانند بت پرستان، کفار و مشرکان.

ضروری است بیان شود که هر کدام از مخالفان پیامبر به دو گروه برانداز و غیر برانداز تقسیم می‌شوند. گروه غیر برانداز آنانی بودند که به مخالفت پیامبر (ص) و یاران حضرت می‌پرداختند و عقاید آنان را قبول نداشتند، ولی قصد توطئه و براندازی نظام را نیز نداشتند گروه برانداز آنانی بودند که به مخالفت‌های عقیدتی اکتفا نمی‌کردند، بلکه درصدد توطئه و براندازی نظام بوده و به آزار و اذیت مسلمانان می‌پرداختند. رفق و مدارای رسول خدا (ص) در برابر این گروه غیر برانداز سبب شد طیف وسیعی از آنان جذب حکومت نبوی گردیدند و در کنار مسلمانان زندگی مسالمت‌آمیز داشته و مانند سایر شهروندان از مزایای آزادی بیان، بیت‌المال و امنیت برخوردار باشند و در مقابل، گروه برانداز با دو مرحله برخورد قرار داشت:

مرحله اول مدارا و دعوت به صلح و آرامش و رفع زمینه‌های خشونت‌گرایی و مرحله دوم دفاع از اسلام و مسلمانان و برخورد قاطعانه (انصاریان، ۱۳۸۸: ۴-۳). می‌توان شاخص‌های تحمل و مدارا را به صورت زیر استخراج و فراوانی هریک از آن‌ها را در کتاب گران‌قدر نهج‌البلاغه چنین بیان کرد که کلمه تحمل ۱۴ بار، مدارا یک‌بار، پذیرش اشتباه دیگران و بخشش آنان ۲۱ بار، تواضع و فروتنی در مقابل دیگران هشت بار، حلم، بردباری و صبر ۲۵ بار، عدم استفاده از خشونت و تندخویی شش بار، توجه به عدالت ۲۵ بار، تحمل عقاید مخالف یک‌بار، رفق، نرمی و مدارا کردن هشت بار، نفوذ در دل‌ها از طریق خوش‌رفتاری و خوش‌خلقی چهار بار، عدم استفاده از زور و اجبار در حد امکان یک‌بار، احترام به آزادی، عدالت اجتماعی و مدنیت ده بار، توهین نکردن به دیگران و احترام به آنان پنج بار و داشتن رفتار نیک با دیگران سه بار در کتاب نهج‌البلاغه تکرار شده است. در مجموع این دو مقوله به طور مستقیم و غیرمستقیم ۱۳۲ بار در این کتاب ارزشمند دیده می‌شود (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

شاخص‌های تحمل و مدارا در نهج‌البلاغه			
مقوله	فراوانی	مقوله	فراوانی
تحمل	۱۴	تحمل عقاید مخالف	۱
مدارا	۱	رفق و نرمی	۸
پذیرش اشتباه دیگران و بخشش آنان	۲۱	نفوذ در دل‌ها از طریق خوش‌رفتاری و خوش‌خلقی	۴
تواضع و فروتنی در مقابل دیگران	۸	عدم استفاده از زور و اجبار در حد امکان	۱
حلم، بردباری و صبر	۲۵	احترام به آزادی، عدالت اجتماعی و مدنیت	۱۰
عدم استفاده از خشونت و تندخویی	۶	توهین نکردن به دیگران و احترام به آنان	۵
توجه به عدالت	۲۵	داشتن رفتار نیک با دیگران	۳
<b>جمع ۱۳۲</b>			

در زمینه مدارا و تساهل در آرای اندیشمندان اسلامی به این موارد می‌توان اشاره کرد:

عظمت نفس	فضیلت اجتماعی	امر اجتماعی و سیاسی
اختیار تمام‌عیار انسان و پذیرش حق ایمان امری قلبی است که از راه زور حاصل نمی‌شود.	منع مسلمانان از ناسزا گفتن و دشنام دادن، توهین کردن و افترا زدن.	در مسائل اساسی نظام همانند امنیت و عدالت، مدارا جایز نیست. نگاه مطلق‌انگارانه به مدارا آسیب جدی به این مفاهیم می‌رساند.
مدارا و تساهل از جنود عقل و از لوازم فطرت مخموره مدارا و تساهل منحصر به اخلاق فردی نیست بلکه فضیلتی سیاسی و اجتماعی است.	چشم‌پوشی از انتقام و بدهی‌ها گذشت و عفو(مدارا و تساهل) ضرورت اجتماع انسانی.	مدارا نرمی با مردم و مدهانه نرمی در حقیقت است. خشونت تحت شرایطی خاص برای مقابله با توطئه و عمل منافقانه جایز است.
مدارا و تساهل به‌نوعی توانایی و تعهد است. مدارا و تساهل در اصول اعتقادی جایز نیست	مدارا و تساهل در رابطه مردم با مردم شایسته است.	حد معقول مدارا و تساهل مطلوب است و اگر از حدود آن تجاوز شود، ارزش و فضیلت نخواهد بود.

منبع: (خرم شاد و برخورداری، ۱۳۹۸: ۶۶)

### گسترش فرهنگ مدارا

والستر بیان می‌کند که امروزه مدارا جویی را باید از خانه آغاز کرد، آنجا که بیشتر موارد باید در زمینه مسائل قومی، دینی و فرهنگی، همسر، خویشان همسر و فرزندان خود، حتی با خویشان پیوند دار و چندپاره خویش پیمان صلح بست؛ چراکه فرهنگ در میان روستاها بیشتر از شهرها، در میدان‌ها خصوصی بیشتر از عمومی و در میان زنان بیشتر از مردان محفوظ می‌ماند. انسان‌هایی که در کنار هم زندگی کنند نیاز به پیوندهایی دارند که همواره از زبان، خاطره، آیین‌های آشنای سوگواری و سرور، آداب و شاعر همسان و حتی به بازی‌ها و آوازهای همسان به دست می‌آید» (زارعی، ۱۳۹۴: ۹۴).

در اعلامیه اصول تحمل و مدارا، یونسکو اعلام کرده است که تحمل و مدارا بدانند، صراحت، ارتباط و آزادی بیان، آگاهی و باور رشد می‌کند. تحمل و مدارا نه تنها الزام اخلاقی بلکه الزام قانونی و سیاسی است (نصر اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۲۶).

## جمع بندی

داشتن روشی مداراجویانه یک ضرورت کارکردی در عصر جدید است؛ مسائلی چون اقتصاد جهانی، ارتباطات، وابستگی متقابل، مهاجرت، گسترش شهرنشینی و دگرگونی رفتارهای اجتماعی باعث می‌شود که پرداختن به مقوله مدارا مورد توجه قرار بگیرد. از آنجا که گسترش ارتباطات و جهانی شدن نیز موجب نزدیک شدن بسیاری از گروه‌ها به یکدیگر می‌شود باید گفت عدم تحمل و مدارا به‌طور بالقوه یک تهدید برای حیات اجتماعی و صلح است.

همان‌طور که در تبیین نظری به مفهوم مدارای اجتماعی پرداخته شد؛ مدارا برای رسیدن به هدفی بسیار متعالی انجام می‌پذیرد و به معنای سعه‌صدر و تحمل آرای دیگران و با نرمی و ملایمت رفتار کردن با هموعان است. پیشینه توجه به مقوله مدارا از زمان جنگ‌های مذهبی در قرن‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی در اروپا است که بعدها این واژه و ملزومات آن همواره مورد توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، سیاسیون و اندیشمندان بسیاری قرار گرفت. این مقاله آرای والزر، وگت، پریستون کینگ، لرد اسکارمن، ورنر گلد اشمیت، آلپورت، آندرو فایلا بررسی نمود. سپس با اشاره به موانع مدارا از جمله عقاید قالبی، تعصب، نژادگرایی، دگماتیسم، ناامنی و هواخواهی سنت به مقوله مدارای دینی پرداخت. همچنین به توصیه‌های مدارا در آموزه‌های دینی توجه کرده و معین شد که دین نسبت به مقوله مدارا اهمیت بسیار قابل توجهی قائل شده است، مگر در برابر کسانی که قصد براندازی نظام یا خسارت وارد کردن به جامعه داشته باشند. از همین رو، می‌توان گفت که با نگاه دینی می‌توان جامعه را نیز به اهل مدارا بودن ترغیب نمود.

## منابع

- ادیبی سده مهدی؛ یاسر رستگار؛ سید صمد بهشتی (۱۳۹۱)، مدارای اجتماعی و ابعاد آن . فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۱۷.
- افتخاری، اصغر؛ موحدیان، میلاد (۱۳۹۶)، ابعاد مفهومی مدارای سیاسی در جامعه اسلامی با تأکید بر سیره آیت الله مهدوی کنی (رحمه الله)، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال ۱۳۹۶، شماره ۲، پیاپی ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۳۵-۵۸
- نصر اصفهانی، علی؛ حاجیان، طالب؛ کریمی، مهدی؛ رضوانی، سید (۱۳۹۱)، بررسی تحمل و مدارا در رهبری سازمان با تکیه بر دیدگاه نهج البلاغه، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۳۰-۱۱۳
- اکبر نیا، الهه سادات (۱۳۹۱) رابطه دین داری، مدارای اجتماعی با فاصله اجتماعی در بین مسلمانان و مسیحیان شهر تهران»، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س)
- انصاری، علیرضا (۱۳۸۸)، رفق و مدارای پیامبر اعظم (ص) با مخالفان، مجله معارف اسلامی، سال ۲۸، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۷۸، صص ۹-۱
- آلپورت، گوردون (۱۳۷۹)، دین و تعصب، ترجمه شاه رکنی، نازنین، مجله کیان، شماره ۵۲.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴)، دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، ناشر علوم نوین
- بوستانی، مهدی؛ پولادی، کمال (۱۳۹۵)، بررسی عناصر تشکیل دهنده حوزه عمومی در اندیشه هابرماس، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۳، شماره ۳۸، بهار ۱۳۹۶، صص ۴۲-۲۱

بهشتی، سید صمد؛ رستگار، یاسر (۱۳۹۲)، تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد

آن در بین اقوام ایرانی، زمستان ۱۳۹۲، صص ۷-۳۵

بیاتی، پروانه؛ بهیان، شاپور؛ نویسنده مسئول: جهانبخش، اسماعیل (۱۳۹۶)، واکاوی

جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در میان شهروندان شهر

تهران با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، مطالعات علوم اجتماعی ایران « پاییز

۱۳۹۸، سال شانزدهم - شماره ۶۲، صص ۱۷-۳۹

تیموری، فاطمه؛ فرهمند، مهناز؛ امیرمحمدی، ضیاء (۱۳۹۷)، حسن هم‌جواری و همزیستی

اجتماعی - اخلاقی مسلمانان با زرتشتیان، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۱۳، شماره ۳،

صص ۲۲-۳۰

جهانگیری، جهانگیر؛ افراسیابی، حسین (۱۳۹۰)، مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه

عوامل و پیامدهای مدارا. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره سوم.

خرم‌شاد، محمدباقر؛ برخوردار، یاسر (۱۳۹۸)، کاربست مؤلفه مدارای سیاسی در راهبرد

رهبری امام خمینی (ره)، فصلنامه راهبرد، سال ۲۸، شماره نود، بهار ۱۳۹۸، صص ۸۶-۵۹

زارعی، نسرين (۱۳۹۴)، علل و زمینه‌های فرهنگی همزیستی مسالمت‌آمیز در بین اقوام

شهره قروه، پایان‌نامه دانشگاه علامه طباطبایی رشته‌ی جامعه‌شناسی

زمانی، طویی؛ محسنی تبریزی، علیرضا؛ شاه‌محمدی، عبدالرضا (۱۳۹۹)، تفسیر نابردباری

اجتماعی از منظر نخبگان دانشگاه و ارائه مدل نظری، فصلنامه مطالعات و تحقیقات

اجتماعی در ایران، دوره ۹، شماره ۲، البسالت ۱۳۹۹، صص ۴۲۱-۳۹۳

سراج زاده، سید حسین؛ شریعتی مزینانی، سارا؛ صابر، سیروس (۱۳۸۳)، بررسی رابطه

میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی

مشهد ۱۳۸۳ شماره ۴، صص ۱۴۲-۱۰۹

عسگری، علی؛ شارح، محمود (۱۳۸۸)، گونه شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و عالمه طباطبایی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۴-۱

فتحی، یوسف (۱۳۹۶)، مبانی و پیامدهای مدارا در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۶، صص ۹۶-۸۱

فیروزجائیان، علی‌اصغر؛ شارح پور، محمود؛ فرزام، نازنین (۱۳۹۵)، سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی (آزمون مدل میمیک)، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۱، شماره ۲، زمستان ۹۵، صص ۶۴-۳۳

گلایی، فاطمه؛ رضایی، اکرم (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان

مقتدایی، فاطمه (۱۳۸۹)، پایان‌نامه "بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن"، مورد تحقیق: جامعه شهری اهواز، زمستان ۱۳۸۹